

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: میلاد جلیلزاده
فرستنده: علی کاظمی
۱۶ اکتوبر ۲۰۲۳

رژیم فتوشاپی

صهیونیست‌ها با دروغ‌های بزرگ و بایکوت جنایات‌شان به جنگ با افکار عمومی آمده‌اند

فلسطین؛ از پاریز تا پاریس



تصویر روئین‌تن اسرائیل و به تبع آن بلوک غرب در صحنه نظامی‌گری شکسته است اما روئین‌تنی آنها در عرصه رسانه هم باید بشکند تا فتح نهایی حاصل شود و بتوان گفت که در عرصه نظم بین‌المللی، گردش محسوسی رخ داده است. غرب درباره افغانستان دروغ گفت، درباره عراق دروغ گفت، درباره کویت دروغ گفت و درباره سوریه و سودان و لیبیا هم دروغ گفت؛ همچنان که خارج از مناطق اسلامی و عربی، از سال‌ها پیش درباره صدها رویداد مختلف در جای‌جای دنیا دروغ گفته بود. این بار اما نبرد طوفان الاقصی یا جنگ اکتوبر ۲۰۲۳ غزه، یک تفاوت عمده با موارد قبلی دارد. پیش از این عموماً چنین دروغ‌هایی بیان می‌شدند تا پیش‌زمینه‌ای باشند برای حمله نظامی، اما این‌بار رسانه‌های جریان اصلی در یک تاکتیک واکنشی بود که به چنین دروغ‌هایی رو آورده‌اند. یک نفر از آنهایی که در حملات ۱۱ سپتمبر دست داشتند، از افغانستان نبودند، اما این کشور مورد هجوم قرار گرفت و ۲۰ سال زیر چکمه ناتو باقی ماند. پس از سقوط صدام حسین کوچک‌ترین اثری از سلاح‌های کشتار جمعی در عراق کشف نشد، حال آن که بهانه حمله آمریکا به عراق همین بود و آنها هنوز پایگاه‌های نظامی‌شان را در این کشور حفظ کرده‌اند. ۳۳ سال پیش در چنین روزهایی، در ۱۰ اکتوبر ۱۹۹۰ دختری ۱۵ ساله که خود را نیره معرفی می‌کرد، در برابر فرآکسیون حقوق بشر کنگره ایالات متحده با اشک و آه سخنانی راجع به جنایات عراق در حمله به کویت ایراد کرد که دستمایه تبلیغاتی حمله آمریکا را فراهم کرد و دوسال بعد معلوم شد دخترک، فرزند سفیر کویت است و هرچه می‌گفت نمایشی دروغین بود. دروغ‌های رسانه‌های غربی و دستگاه دیپلماسی‌شان که هرکدام زمینه‌ساز زیر و رو شدن سرنوشت یک ملت برای چند

دهه و چند نسل بوده‌اند، یکی دوتا نیست اما نه تنها این روند متوقف نشده یا لااقل کاهش پیدا نکرده، بلکه هر روز با اعتماد به نفس بیشتری دنبال می‌شود.

اگرچه رسانه‌های غربی پرتعداد و با سابقه و به لحاظ فنی قوی هستند، اما دلیل این که دروغ‌هایی تا این اندازه واضح تا به حال اساس کار آنها را به هم نزده، صرفاً به مهارت فنی‌شان بر نمی‌گردد، بلکه قدرت اصلی این رسانه‌ها از میدان تأمین می‌شود. در یک عبارت ساده و سراسر است می‌شود موضوع را چنین توضیح داد که آنها همیشه رسانه‌های طرف برنده دعوا بوده‌اند و برای همین سخن‌شان و جهت‌گیری‌شان اعتبار بیشتری پیدا می‌کرد.

در مورد به‌خصوصی مثل طوفان الاقصی، نقشه از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد تا آن رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و دیپلمات‌های غربی بدانند که در موضع‌گیری‌هایشان اصطلاحاً کدام سمت بایستند تا هم ضربه حیثیتی نخورند و هم منافع‌شان تأمین شود. اولین واکنش به چنین اتفاقاتی آن بود که طوفان الاقصی را با حملات ۱۱ سپتامبر همانندسازی کنند تا از حماس تصویری شبیه القاعده ساخته شود. این مدل فقط روی ذهن کسانی کار می‌کرد که از قبل تصمیم گرفته بودند ضد فلسطین و طرفدار اسرائیل باشند و دنبال دستاویزهایی برای حق دادن به خودشان می‌گشتند، وگرنه تفاوت رفتار القاعده با حماس از روز روشن‌تر است و به علاوه، دلایل کنشگری این دو گروه به شکلی عیان و بدون نیاز به توضیح، تفاوت دارد. فلسطینی‌ها و در این مورد خاص گروه حماس، به اشغالگری صهیونیست‌ها و محاصره غیر انسانی غزه معترضند و مثل گروهک القاعده، با یک خوانش تکفیری از اسلام، به دنبال القای عقایدشان با ابزار ارباب و زور نیستند. وقتی در همان اوایل کار دیده شد که چنین همانندسازی‌هایی براحتی جا نمی‌افتند، باران دروغ‌های رسانه‌ای نازل شد تا کار منحرف‌سازی افکار عمومی را تکمیل کند. همه‌جا جار زدند که نیروهای حماس تجاوز کردند، دختری را برهنه کردند و پشت وانت به اسارت بردند، ۴۰ کودک اسرائیلی را سر بریدند و... . واکنش رسانه‌های غربی، دستگاه‌های دیپلماسی غرب و اندیشکده‌های روابط بین‌الملل اروپا و آمریکا به اتفاقات پس از طوفان الاقصی بسیار گسترده، افراطی، نسجیده، عصبی و رسواکننده است که همه اینها به غافلگیر شدن جهان غرب و نداشتن یک نقشه راه مشخص برای موقعیتی اینچنینی بر می‌گردد.

قمار بر سر حقیقت و اعتبار

اما چرا وضع به اینجا رسید؟ قضیه به یک دوگانه متناقض بر می‌گردد که سویه‌هایش به‌طور همزمان و با یک همپوشانی ناهمساز برای بلوک غرب رخ نموده‌اند. رژیم صهیونیستی بخش قابل توجهی از موجودیت نامشروع خود را مرهون تصویر قدرتمند و بادوامی می‌داند که قصد دارد از خودش بسازد و تک‌دفاع نیروی مقاومت این تصویر را در هم می‌شکند. حالا طلسم شکسته است و تصویر روئین‌تن اسرائیل فرو ریخته و خیلی‌ها همین موضوع را بزرگترین دستاورد عملیات اخیر مقاومت فلسطین می‌دانند، درحالی‌که اسرائیل برای همدل کردن افکار عمومی جهان به مظلوم‌نمایی هم نیاز دارد. چیزی که کار اسرائیلی‌ها را سخت می‌کند، به اجراء گذاشتن همزمان مرثیه‌هایی برای مظلوم‌نمایی در برابر حماس و حفظ ژست مقتدر این رژیم است و وضعیت دوگانه متناقضی که از آن صحبت شد، چیزی جز همین نیست. رسانه‌ها و دولتمردان غربی برای مواجهه با چنین وضعیتی در عمل چه کردند؟ هر نوع تجمعی برای حمایت از مردم فلسطین در آلمان، فرانسه، انگلستان و بسیاری از کشورهای دیگر غربی ممنوع شد. اینستاگرام متون و تصاویری که راجع به غزه و فلسطین هستند را به شدت سانسور می‌کند و در عوض دست رسانه‌های جریان اصلی را کاملاً باز گذاشته تا هرچه خواستند در دفاع از اسرائیل بگویند و راوی اصلی ماجرا آنها باشند. از آن سو اتحادیه اروپا پلتفرم X یا همان توییتر را به تحریم شدن تهدید کرده زیرا مثل اینستاگرام که مدیر آن تبعه رسمی

رژیم صهیونیستی است، در جعل اخبار مربوط به نبرد غزه فعال نیست. مجموع این قضایا وضعیت غریبی را رقم زده است. دروغ از صدر تا ذیل اخبار می بارد و ماجرا تا جایی می رود که ویدئوئی بیرون می آید و خبرنگاران cnn را مشغول تمرین یک صحنه سازی از حضور جعلی در صحنه نبرد نشان می دهد اما نه کسی در آن رسانه های سرتاپا مدعی شرمند می شود، نه لاف یک عذرخواهی ساده بیرون می آید. قرار است فلسطین، هم سرکوب شود و هم ظالم به نظر برسد و چون جا انداختن چنین چیزی بی اندازه سخت به نظر می رسد، این رسانه ها چاره ای ندارند جز آن که بر سر حقیقت و اعتبارشان قمار کنند و خبر جعل کنند. درحقیقت اسرائیل می خواهد همان چیزی باشد که امروز نیروی مقاومت در جایگاه آن است؛ مظلوم مقتدر. در عوض آنها جایگاهی پیدا کرده اند که حس می کنند به لحاظ تبلیغاتی برایشان خطرناک است؛ زبون و ظالم.

مروری کرده ایم به رویکردی که رسانه های غربی در قفای دستگاه های دیپلماسی این کشورها طی چند روز گذشته اتخاذ کرده اند تا بهرغم شکستن آن تصویر روئین تن نظامی از اسرائیل، لاف این رژیم را و به طور کل بلوک غرب را به لحاظ تبلیغاتی و رسانه ای همچنان روئین تن نگه دارند. البته از یادآوری مجدد این حقیقت نباید صرف نظر کرد که تمام اقتدار آن رسانه ها به قدرت فنی شان بر نمی گردد و بخشی از کار، تابه حال معطوف به برتری موضع آنها در میدان بوده است. به عبارتی آنها چون رسانه های طرف برنده دعوا بودند، حرف شان شنیدنی تر بود و خطایشان بیشتر نادیده گرفته می شد اما ممکن است این میزان سنج در آینده نزدیک به هم بخورد.

تجاوزی که دروغ بود

نیمه شب شبیه ای که طوفان الاقصی رخ داد، فلمی از رزمندگان مسلح مقاومت منتشر شد که سوار بر خودروئی بودند و یک زن جوان بی هوش را با لباس زیر حمل می کردند. هزاران نفر (از جمله تونیزی های عرب و فمینیست های عرب) بدون این که هیچ اطلاعات اضافی جز همین ویدئو داشته باشند، خبر دستگیری این زن جوان اسرائیلی-آلمانی به نام شانی لوک، تجاوز گروهی به او و سپس قتل او توسط نیروهای مقاومت را پذیرفتند. منبع خبر چیست؟ هیچ منبعی وجود ندارد. فقط حدس و گمان در شبکه های اجتماعی است. با این حال حتی سازمان های رسانه ای بزرگ هم این خبر را گزارش کردند و آن را پذیرفتند و عقب نشینی تدریجی از آن زمانی آغاز شد که تأثیر اصلی اش را گذاشته بود. به عنوان مثال روزنامه امریکائی لس آنجلس تایمز در ۹ اکتوبر مقاله ای تحلیلی منتشر کرد با عنوان «چه کسی مسئول حمله حماس به اسرائیل است؟ این بحث در حال خارج شدن از کنترل است.» در نسخه اصلی مقاله، نویسنده امریکائی، جونا گلدبرگ در مورد جنایات تجاوز جنسی توسط مقاومت حماس صحبت می کند اما عصر همان روز، روزنامه با انتشار یادداشتی جانبی، اشاره به تجاوز جنسی را حذف کرد و در توضیح ضمیمه آن یادداشت عصرانه آمده بود: «نسخه قبلی این مقاله نشان می داد تجاوز جنسی در این حملات رخ داده، اما چنین گزارش هایی تأیید نشده است.» حتی رسانه های رژیم صهیونیستی به رهبری تایمز اسرائیل که اکثر رسانه های غربی از آنها اخبار جنایات جنسی را گزارش می کردند، بدون ارائه هیچ گونه شهادت و تأییدی اعلام کردند که «بیم وقوع جنایات و خشونت های جنسی» وجود دارد. مدتی بعد حتی معلوم شد که این دختر جوان زنده است و کشته نشده. نکته شگفت اما اینجاست که سایبری های حامی اسرائیل، همچنان روی خبر دروغی که علناً دروغ بودنش مشخص شده، به عنوان سندی بر خشونت جنگی حماس تأکید می کنند.

یکی از آن ۴۰ سر بریده هم حقیقت نداشت

انتشار خبر کشف اجساد ۴۰ کودک سربریده اسرائیلی احتمالاً می‌تواند نمونه‌ای بارز از «تبلیغات دروغین جنایت» باشد که تا سال‌ها به‌عنوان شاهد مثال بتوان به آن مراجعه کرد. نمونه‌ای که هر بار استفاده از اخبار جعلی برای تحریک قتل و قتل‌عام را مرور می‌کنیم، می‌توانیم سراغ آن برویم. در این مورد به‌خصوص می‌دانیم که اولین منبع خبر چه کسی بوده است. کانال اسرائیلی «آی ۲۴ نیوز»، در نسخه انگلیسی (آن زمان فرانسوی) خود، روز سه‌شنبه مدعی شد جنگجویان حماس در حمله‌ای ۴۰ نوزاد اسرائیلی را کشتند و اکثر آنها را در شهرک کفار عزا واقع در مرز با نوار غزه سر بردند. خبرنگار این کانال، نیکول زدک، در گزارشی که از کفار عزا تهیه کرده است، از سربازان ارتش اشغالگر نقل‌قول کرد که کودکانی را با سر بریده دیده است. همه به‌طور هیستریک این خبر را گزارش کردند تا این که به یک «حقیقت مطلق» تبدیل شد و شعارهای تحریک‌آمیز برای نابودی نوار غزه را بلندتر کرد. تعداد بازدیدهای این ویدئو تنها در پلتفرم X از ۱۱ میلیون مورد فراتر رفت و وقتی خبرنگار آن کانال به دروغ بودن ادعایش، معترف شد تعداد بسیار کمتری از افراد تکذیبیه‌اش را دیدند. ده‌ها رسانه غربی این ادعا را منتشر کردند. بیل ترو، خبرنگار روزنامه بریتانیایی ایندپندنت و کارشناس پوشش امور منطقه، ابتداء در حساب کاربری خود توثیقی منتشر کرد که در آن نوشته بود: «سربازان امروز در حال نیش قیر اجساد از خانه‌های کفار عزا در نزدیکی حصار مرزی با غزه بودند. یکی از افسران اصلی به من گفت که آنها اجساد زنان و کودکان را با سرهای بریده پیدا کردند.» پس از سیل انتقادات به دلیل انتشار خبری درمورد جنایتی به این بزرگی بدون تأیید آن، ترو این توثیق را حذف کرد. اما صبح چهارشنبه، روزنامه ایندپندنت جلدی را منتشر کرد که کل صفحه اول را با این عنوان پر می‌کرد: «آنها زنان و کودکان را سر بردند، ما کودکان را دیدیم که کشته شدند. دیدیم که بوی مرگ می‌پیچید.» این‌بار هم روزنامه‌ای که از صحت این اطلاعات مطمئن نبود، ترجیح داد آن را در صفحه اولش به‌طور برجسته کار کند.

با روی ادعای خودتان گذاشتید؟

درحالی‌که درگیری‌ها بین ارتش رژیم صهیونیستی و نیروهای مقاومت فلسطینی ادامه دارد، کشورهای اروپایی که اجازه برگزاری تظاهرات به طرفداران اسرائیل را بدون هیچ محدودیتی می‌دهند، در نقطه مقابل ممنوعیت‌های مختلفی را برای تظاهرات همبستگی با فلسطین اعمال می‌کنند. تظاهرات همبستگی با فلسطین در فرانسه و آلمان به دلیل «تشکیل تهدیدی برای نظم و امنیت عمومی» مجاز نخواهد بود و در هالند هم در تظاهرات طرفداران حماس مداخله خواهد شد. سوئلا براورمن، وزیر کشور بریتانیا هم اعلام کرد که ممکن است اعتزاز پرچم فلسطین در برخی شرایط در این کشور قانونی نباشد. به عبارت دقیق‌تر، قانونی که پیش از این به فلسطینی‌ها چنین حقی را می‌داد، اکنون با بهانه‌هایی کاملاً عجیب زیر پا گذاشته می‌شود. البته با وجود این ممنوعیت‌ها، چند راهپیمایی و تجمع در برخی شهرهای فرانسه برای حمایت از مردم غزه برگزار شد و گزارش‌هایی هم مبنی بر استفاده پولیس از گاز اشک‌آور برای متفرق کردن معترضانی حامل پرچم‌های فلسطین منتشر شده است. برگزاری راهپیمایی همبستگی با فلسطین که در برلین برنامه‌ریزی شده بود هم توسط مقامات امنیتی این کشور متوقف شد. گزارش شده است که حتی پولیس در بازرسی‌های بدنی، جوانانی که پرچم فلسطین را مخفیانه حمل می‌کردند، بازداشت کرده است. در هالند هم «مارک روت»، نخست‌وزیر این کشور اعلام کرد شهرداران در راهپیمایی‌های حامیان فلسطین مداخله خواهند کرد؛ چون نگرانی‌هایی درباره شعارهای ضدصهیونیستی وجود دارد. به همین دلیل فعالان حامی فلسطین مجبور به تغییر مکان راهپیمایی در آمستردام به دلیل فشارهای سیاسی شدند اما تأکید کردند از همبستگی با مردم فلسطین عقب‌نشینی نمی‌کنند. درحالی‌که بعضی از سازمان‌ها و گروه‌های حقوق بشری اروپا این محدودیت‌ها را به‌عنوان حمله‌ای به آزادی بیان و تجمع محکوم

کرده‌اند، هیچ تغییری در سیاست دولت‌های این چند کشور ایجاد نشده و هر نوع حمایت کلامی یا مکتوب از فلسطین، به‌شدت کنترل، سرکوب یا سانسور می‌شود. این حجم از نقض آزادی بیان، چیزی که همواره جز ادعاهای اصلی جهان غرب بوده است، در دوران معاصر بی‌سابقه است، یعنی لاقلاً به شکل عیان و رسمی دیده نمی‌شد. این نشان می‌دهد که موضوع نبرد الاقصی و شکست هیمنه اسرائیل، این‌بار جدی‌تر از هر مورد دیگر است.

برگرفته از: فرهیختگان